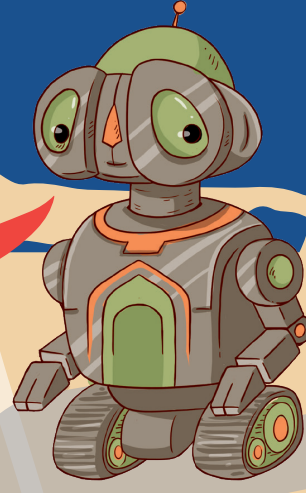




اول
اینو بفون

سلام به قهرمانای فردای ایران زمین!
من فرازم، په ربات هوشمند که از دل «ایران ۱۴۲۰» اومدم. قراره به مأموریت ویژه انجام بدم؛ گشت و گذار توی تاریخ پرفراز و نشیب ایران! تا به هم از قصه‌های تلخ و شیرین ایرانمون با خبر بشیم و با قدرت و انگیزه بیشتری برای ساختن په ایران قوی‌تر و مقتدرتر و مستقل‌تر قدم برداریم. ایرانی که دست هریکانه‌ای از اون کوتاه‌ها آماده‌اید که به هم به دل تاریخ بزنیم و قصه‌های مهمی از ایران رو کشف کنیم؟ من که خیلی هیجان‌زده‌ام! نقطه چین‌ها رو دنبال کن...



سال
۱۱۹۲
هجری شمسی
شاه
فتحعلی شاه قاجار
عهدنامه‌ی
گلستان
کیلومتر
۲۳۳۰۰۰

قاجارها ۱۳۰ سال به ایران پادشاهی کردن. یکی از سرسلسله‌هاشونم فتحعلی‌شاه بود. اون زمان‌ها روس‌ها همسایه‌ی شمالی‌مون بودن و چون هم قدرت نظامی‌شون خفن بود و هم وسایل جنگی زیاد داشتن و برای جنگ آموزش دیده بودن، می‌برای ما ایرانی‌ها شاخ و شوته می‌کشیدن و با قلدری می‌خواستن کل منطقه‌ی قفقاز مون رو از ما بگیرن. تازه اونا به آب‌های گرم جنوب کشورمون چشم داشتن!

فتحعلی‌شاه هم ظاهر آ در کنار خوشگذرونی‌هاش می‌خواست نذاره نقشه‌ی اونا محقق بشه اما هرچی زور زدن، نتونستن جلوی روس‌ها رو بگیرن، چون توان نظامی و دفاعی‌شون کم بود و چشم امیدشون به انگلیسی‌های حقه باز بود، که سر بزنکه پشت ایران رو خالی کردن. آخرشم ایرانی‌ها مجبور شدن امتیاز بدن و رفتن پای معاهده‌ای به نام گلستان که هنوزم باعث ناراحتی ما ایرانیاست.

سال
۱۲۲۶
هجری شمسی
شاه
محمدشاه قاجار
عهدنامه‌ی
ارزروم
کیلومتر
؟؟؟

بعد ۲۰ سال نوبت عثمانی‌ها شد. همسایه‌ی غربی‌مون! بین ایران و عثمانی، زمین‌های زیادی بود که مرزهاش خیلی مشخص نبود، مثل یه خط‌کشی نامرتب! برای همین، هی سر این زمین‌ها جنگ بود. از اون طرف، دوباره سر و کله‌ی نخودهای آتش یعنی روس‌ها و انگلیس‌ها پیدا شد و گفتن: «بابا، بنده دیگه چرا دعوا؟ ما می‌آییم کمکتون. کافیه یه خط صاف بکشین!» اما خب محمدشاه قاجار، شاه اون زمان ایران که تاریخ نخونده بود تا بدونه اونا



می‌دونن اسم این مذاکره چی بود؟ حالا با هم‌ریکه بشینین درباره‌ی این مذاکره و نتیجه‌اش توی گروهتون بحث کنین. به‌نظرت روسیه و انگلیس واقعا دلشون به حال دعوای ایران و عثمانی سوخته بود؟ می‌دونم که می‌تونن هستون کنن و پیننی این قلدرها یه پی دست آوردن و ما چی از دست داریم.

سال
۱۴۰۴
هجری شمسی
رهبر
سیدعلی خامنه‌ای

جوونای ایرانی بعد از جنگ هم بیگار نموندن و به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای مسیر پیشرفت رو ادامه دادن. کسی باورش نمی‌شد اما جوونای ایرانی هم موشک ساختن و هم هواپیما و تانک. یه روز هم با هوشمندی رهبری به فکر تقویت توی زمینه‌ی هسته‌ای افتادن. این شد که قدرت‌های دنیا ترسیدن و گفتن، نه بابا! این ایرانی‌ها عجب خفنی هستن، بیاین با تحریم‌های مختلف تحت فشارشون بزاریم اما این نقشه هم جواب نداد و مردم مقاومتشون رو ادامه دادن و قلدرهای دنیا یعنی آمریکا و اروپایی‌ها کلک مذاکره رو سرهم کردن ایرانم که صلح طلبه گفت باشه اما از حق و حقوقمون نمی‌گذریم و این اونا بودن که مدام نامردی می‌کردن و زیرقرارداد می‌زدن و دقیقاً

بالاخره رسیدیم به زمان ناصرالدین شاه، که واسه خودش سلطنتی بود و پول‌های مملکت رو به جای اینکه خرج قوی‌تر شدن قوای نظامی و آموزش سرپاها کنه، خرج خوشگذرونیاش می کرد! اون زمان‌ها هرات قشنگ که قرن‌ها جزوی از ایران بود، مدتی افتاده بود دست

سال
۱۲۳۵
هجری شمسی
شاه
ناصرالدین شاه قاجار
عهدنامه‌ی
پاریس
کیلومتر
؟؟؟



سال
۱۳۵۰
هجری شمسی
شاه
محمدرضا پهلوی
کیلومتر
؟؟؟

رسیدیم به دوره‌ی پهلوی که خیلی ادعای قلدریش می‌شد اما اونا هم یه گند بزرگ توی تاریخمون زدن. بحرین مثل یه جواهر تو منطقه‌ی خلیج فارس بود و ایران با داشتن بحرین، اسمی منطقه بود. اما انگلیسی‌ها که خوش نداشتن ما هیچ مدله قوی باشیم باز اومدن وسط و شیوخ محلی بحرین رو علیه ما تحریک کردن که باید مستقل بشین. محمدرضا هم اول قیافه گرفت که بحرین رو نمیده این جور ی کشمکش بالا گرفت و کار رفت سمت پادرمیونی بین‌المللی و محمدرضا هم که اهل خوش‌رقصی برای خارجی‌ها بود، گفت هرچی سازمان ملل بگه، اونا هم اومدن خیلی صلح طلبانه! گفتن از مردم بحرین بپرسیم و مردم بحرینم که دلشون رفته بود پی حرفای انگلیسی‌ها گفتن می‌خوایم مستقل بشیم و محمدرضا هم خیلی شیک و مجلسی قبول کرد و بحرین رو دو دستی داد رفت. البته ناگفته نمونه، رضاشاه هم زمین‌هایی رو به عنوان تعیین مرز با همسایه‌هامون داد رفت؛ مثل آزارات به ترکیه یا جنوب رود اترک به شوروی یا واگذاری بخش‌هایی از اروندرود به عراق و سرزمین قرمسو به ترکیه!

حالا نوبت توست؛ چرا محمدرضا شاه این تصمیم رو گرفت؟ با هم گروهی‌هات درباره‌ی دلایل مختلف برای این تصمیم گفتگو کنین و استدلال‌هاتون رو با دوستاتون به اشتراک بذارین.

سال
۱۲۰۶
هجری شمسی
شاه
فتحعلی شاه قاجار
عهدنامه‌ی
ترکمنچای
کیلومتر
؟؟؟

چند سال بعد روس‌ها که حالا با انگلیس‌ها هم کاسه شده بودن، ریختن سرمون و دوباره شکستمون دادن. چون ما نه قدرت نظامی‌مون عالی بود، نه سیاسی‌مون چنگی به دل می‌زد و پولی هم در بساط نداشتیم. فتحعلی‌شاه به خاطر این‌که کل ایران رو از دست نده، رفت پای و تجارت‌خونه داشته باشن و یه سری حقوق مثل کاپیتولاسیون رو هم گرفته بودن. این دیگه ته خفت بود!



حالا نوبت توست برای این‌که برونی ایرانمون چه نوع موشک‌ها و پهپادهایی داره و در دانش هسته‌ای چه پیشرفت‌هایی کردیم، با کمک و راهنمایی هریکات، هسته‌پوی بیشتری کنی.

سال
۱۳۵۹
هجری شمسی
تا
۱۳۶۷
رهبر
امام خمینی

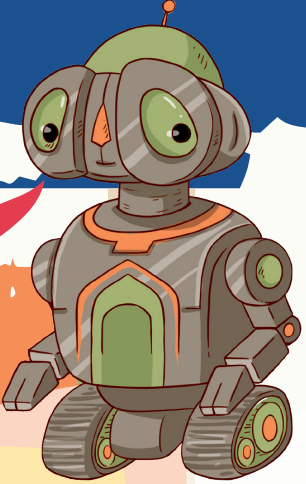
همسایه‌ی غربی‌مون مدام خوش نداشت ما قوی شیم و با حمایت کشورهای غربی به ما حمله کرد و به خیال خودش می‌خواست سه روزه خوزستان رو از ایران جدا کنه اما جوونای ایرانی خوش‌غیرت به رهبری امام خمینی «ره» با جون و دل مقابل دشمن ایستادن و کم‌کم هم خودشون رو قوی کردن و این ایستادگی با این‌که هشت سال زمان برد اما یه وجب از خاک ایران رو از دست ندادن.



حالا نوبت توست؛ با کمک هریکات زندگی‌نامه‌ی پرفنی از این جوونای خوش غیرت ایران رو مطالعه کن و با دوستات به اشتراک بذار.



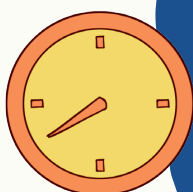
وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی



اول اینو بخون

سلام به قهرمانای فردای ایران زمین!

من فرازم، به ربات هوشمند که از دل «ایران ۱۴۲۰» اومدم. قراره به مأموریت ویژه انجام بدیم؛ گشت و گذار توی تاریخ پرفراز و نشیب ایران! و کشورهای دیگه که سرنوشت بی وطنی‌شون برای ما پندپندیره! می‌خوایم تاریخ بدویم تا از قصه‌های تلخ و شیرین ایرانمون و جهان در برابر استعمار با خبر بشیم و با قدرت و انگیزه بیشتری برای ساختن یه وطن قوی‌تر و مقتدرتر و مستقل‌تر قدم برداریم. ایرانی که دست هر بیگانه‌ای از اون کوتاه‌ها آماده‌اید که با هم به دل تاریخ بزیم و قصه‌های مهمی از سرگذشت استعمار رو کشف کنیم؟ من که خیلی هیجان‌زده‌ام! بزن بریم...



معروف‌ترین کشورهای درگیر استعمار شدن



سال ۱۶۰۰ میلادی
کشور هند
قادر و استعمارگر: بریتانیا
(همون انگلیسی!)



اون زمان‌ها هند کارخانم دنیا بود. یعنی از شبه قاره هند به همه جای دنیا چیزی صادر می‌شد و هندیهایی خیلی خیلی پول‌دار و قدرتمند بودن. انگلیسی‌ها خیلی پول‌دار نبودن، اما از همون اول سودجو و حیل‌مکر بودن و توی دریانوردی کاربلد بودن. یه عده بازرگان انگلیسی به شرکت سهامی عام تاسیس کردن و از ملکه الیزابت اول هم امتیاز تجارت انحصاری در هند رو گرفتن و

اسمشون رو گذاشتن کمپانی هند شرقی بریتانیا. اولش خیلی مودبانه شروع کردن. اومدن تو هند، چند تا قلعه کوچیک ساختن برای انبار کردن کالاهاشون و گفتن: «سلام! ما اومدیم تجارت کنیم!» مردم هند هم که مهمون‌نواز، گفتن: «خوش اومدین!» غافل از اینکه اینها به نقشی بزرگ‌تر تو سرشون داشتن. انگلیسی‌ها می‌خواستن حکومت گورکانیان رو که سال‌ها بود بر هند حکومت می‌کردن، بزارن کنار و هند رو تجزیه کنن به دو قسمت هندوها و مسلمانا و زبون رسمی هندی‌ها رو عوض کنن و خیلی کارهای دیگه؛ مثلاً در حالی که مردم هند در قحطی بودند، محصولات کشاورزی‌شون به تاج می‌رفت. توی این مدت مردم زیادی از فشار کار یا قحطی به دست انگلیسی‌ها کشته شدند. این یعنی اونا می‌خواستن هند دیگه قدرت نداشته باشه، ثروت نداشته باشه، اتحاد نداشته باشه و حتی سبک زندگی‌شون به طور کامل عوض بشه تا این‌جوری بتونن هر جوری دلشون می‌خواد با هند رفتار کنن و کردن! هند رو از کشوری پیشرفته و پول‌دار به هندی ضعیف تبدیل کردن!



سال ۱۹۱۲ میلادی
کشور لیبی
کشور قاهر و استعمارگر:
ایتالیا، بریتانیا، آمریکا



حدود ۱۳۰۰ سال پیش، لیبی دست ایتالیایی‌ها بود و حتی با مقاومت مردم و رهبری افرادی مثل عمر مختار نتوانسته بود از استعمار ایتالیا نجات پیدا کنه تا بالاخره بعد از جنگ جهانی دوم لیبی یک کشور مستقل شد و اما شخصی روی کار اومد که تحت نفوذ بریتانیا و آمریکا بود. حدود ۱۸ سال بعد یه افسر جوان به نام مصر قذافی با یه کودتا لیبی رو به‌خاطر مشکلات کشور ناراضی بودن، از پادشاهی به جمهوری تبدیل کرد. پایگاه‌های نظامی آمریکا و انگلیس رو بست و برناماش این بود که با پول نفت برای پیشرفت مردم کشورش

تلاش کنه. علاوه بر آمریکایی‌ها قذافی با اسرائیل هم در افتاد و اینکه آمریکایی‌ها لیبی رو تحریم کردن و روزبه‌روز اون رو تحت فشار می‌داشتن. تا اینکه سر حمله‌ای که قذافی به هواپیماهای آمریکایی کرده بود، اول به آمریکایی‌ها غرامت داد، بعد نشست پای میز مذاکره و قبول کرد ابرونیوم‌های غنی شده‌اش رو بده و انرژی هسته‌ای نداشته باشه و از اون طرف بی‌خیال قدرت نظامی بشه. قذافی موند با یه دولت ضعیف و مردمی که از ش به‌خاطر مشکلات کشور ناراضی بودن. بیداری اسلامی جرقه‌ای شد برای هرج و مرج توی کشور و خارجی‌ها هم که دیدن فرصت خوبییه برای دخالت، با شعار دفاع از مردم لیبی وارد شدن و حکومت رو کله پا کردن اما هیچ‌چیز نفع مردم لیبی پیش نرفت و در نبود حکومتی قوی نفت و منابع دیگه‌ای که لیبی داره مستقیم م‌ره توی جیب خارجیا و کشور لیبی سال‌ها از پیشرفت عقب موند.



سال ۱۹۲۰ میلادی
کشور سوریه
کشور قاهر و استعمارگر:
فرانسه



سوریه هم مثل لیبی قسمی قسمی داره از استعمار فرانسوی‌ها و تقسیم شدن کشور و از دست دادن بخشی از خاک تا بهره‌برداری از سیاست ترغفه‌بنداز و حکومت کن برای از بین رفتن همبستگی ملی سوریه‌ها. کارهایی که انجام شد تا منابع سوریه‌ها تاراج بره. از طرفی هم نفوذ فرهنگی توی برنامه‌ی کارشون بود و اون‌طوریه سبک زندگی مردم سوریه تغییرات زیادی کرد اما بعد از جنگ جهانی دوم با مقاومت‌های مردمی و فشار

بین‌المللی بالاخره سوریه، سال ۱۹۴۶ به استقلال رسید، اما دوران زیادی رو در جنگ‌های داخلی و کودتا پشت‌کودتا گذروند تا وقتی که خاندان اسد اومدن روی کار. اولش حافظ اسد اومد و سی سال بر سوریه حکمرانی کرد و بعد بشار اسد پسر حافظ روی کار اومد اما هنوز کشور درگیر جنگ‌های منطقه و همین‌طور مشکلات داخلی بود. حتی زمانی بخشی از کشور دست چند گروه تندرو مثل داعش افتاد. در نهایت دولت اسد با توافق چند کشور به ظاهر دوست شکست خورد و مردم فکر کردن جنگ‌های داخلی با رفتن اون و توافق حکومت با آمریکا و رژیم صهیونیستی تموم می‌شه. رویاای شومی که با حمله‌های اسرائیل به سوریه، قتل‌عام مردم و دخالت‌های آمریکا به کاپوس بدل شده و روزگار سوریه اینی شده که می‌بینی.



چرا کشورها استعمار می‌کنن؟



اولش بیا ببینیم
استعمار یعنی چی؟
مثل نفت و گاز و ... و حتی زمین‌های قدرت نظامی و سیاسی، علمی و صنعتیش، کشور های دیگه رو که توی این حوزه‌ها ضعیفند، زیر سلطه بگیره تا بتونه ازش بهره بکشه. یعنی چی؟ یعنی بیاد با کنترل کردن این کشورها از منابع و معادن غنی

پول و ثروت، قدرت و جای پای بیشتر! مهم‌ترین دلیل! کشف منابع جدید مثل طلا، نقره، نفت و می‌تونست کشورشون رو خیلی ثروتمند کنه. هرچی بیشتر سرزمین و منابع داشتن، قوی‌تر به نظر می‌اومدن و هیچ‌کس جرئت نمی‌کرد بهشون چپ نگاه کنه. جای پای بیشتر، مثل اینکه بخوای تو مدرسه یه گروه بزرگ‌تر داشته باشی. هرچی قلمروت بزرگ‌تر باشی، آکده‌های بیشتری هم داری که واست کار کنن.

الا نوبت توست، با هم فکر کن! رفاقت با یو بینیم! کرم کرم کشورها از قریم (الایم) تا الان استعمارگر بودن و قذر و زورگو؟

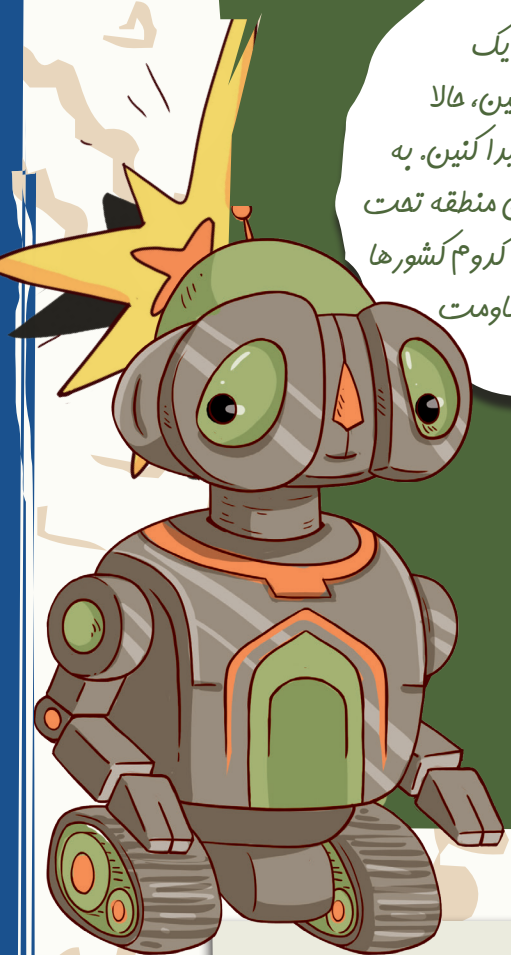
سر نوشت استعمار چی شد؟



الا نوبت توست، اول با یو کرم کرم کشورها تفت سلطه بخونن؟

این‌که در ظاهر یک کشور نظام سیاسی مستقل خودش رو داره اما در باطن با روی کار آمدن مسولان طرفدار کشور پیدا نکرد. مردم کشورهایی که تحت استعمار بودن، کم‌کم خسته شدند و گفتند: «بیس کن دیگه! این سرزمین مال خودموئه!» و شروع کردند به مقاومت. این مقاومت‌ها، جنگ‌ها و انقلاب‌ها باعث شد که کم‌کم کشور های استعمارگر مجبور بشن برگردن به خونخوشون و بقیه کشورها استقلال پیدا کنن! البته این‌جوری هم نیست که استعمار به طور کامل از بین رفته باشه، شکل جدیدی پیدا کرده به نام استعمار نو! استعمار نو یعنی

با کمک مرئی تون یک نقشه یهوان تهیه کنین، حالا منطقه ی غرب آسیا رو پیدا کنین، به نظر تون کرم کرم کشور های این منطقه تفت سلطه ی استعمار نو هستن؟ کرم کرم کشورها در برابر استعمار نو مقاومت کردن؟



سال: در طول تاریخ
کشور ایران
کشور قاهر و استعمارگر:
آمریکا، انگلیس، شوروی

انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین برخورد استعمارگران بوده و هست

ایران، هیچ وقت مستعمری مستقیم هیچ قدرتی نشده، علتش مقاومت و ایستادگی مردمش در برابر قله‌های دنیا بوده! اما توی یه دوران‌هایی از تاریخ تحت نفوذ قدرت سیاسی خارجی‌ها قرار گرفته، یعنی استعمار نو رو تجربه کرده. حضور مستقیم استعمار توی ایران با هجوم پرتغالی‌ها به جزیره هرمز در زمان شاه

اسماعیل صفوی اتفاق افتاد. حدود ۵۰۰ سال پیش! بعد از اون نوبت انگلیسی‌ها شد که وارد شن! اینا با یه عالمه برنامه و نقشه اومدن، مثلاً دو تا برادر بر اسم شرلی رو فرستادن دربار شاهی‌ها تا باهاش دوست شن و بعدش هم یه شرکت گنده به اسم «کمپانی هند شرقی» رو تو ایران راه انداختن و به واسطه ی اون، ایتالیایی‌ها، هندی‌ها و فرانسوی‌ها هم با لباس تاجر و با بهانه ی «روابط تجاری» وارد ایران شدن. اما ادامی اوج استعمار ایران به دوران پهلوی بازمی‌گردد. اون موقع دیگه انگلیسی‌ها و روس‌ها حسابی توی ایران جای پا باز کرده بودن و هر کدوم برای خودشون یه رییس‌جمهور بودن!

مثلاً یه انگلیسی به اسم «جولیوس دو روتیر» اومد و گفت: «من می‌خوام برای شما راه‌آهن بسازم، تلگراف بکشم، با کشتی‌ها کار کنم و از معادن و جنگل‌هاتون هم استفاده کنم» شاه قاجار هم قبول کرد و بهش یه عالمه امتیاز داد که تا ۷۰ سال هم اعتبار داشت! بعدتر هم یه انگلیسی دیگه به اسم «ویلیام تانکس داریسی» اومد و امتیاز استخراج نفت رو گرفت. روس‌ها هم بیکار ننشسته بودن و کلی امتیاز برای خودشون گرفته بودن؛ مثلاً ماهیگیری تو دریای خزر، ساختن جاده، کشیدن تلگراف، راه‌آهن و حتی راه‌اندازی بانک! رضا شاه پهلوی با کمک انگلیسی‌ها اومد روی کار و محمدرضا شاه هم که تحت حمایت آمریکا و انگلیس و

شوروی بود. ایران توی دوران پهلوی تا دلتون بخواد تحت سلطه ی استعمار نو بود و از جمله فضولی‌های استعمارگرا توی اون دوران، اشغال نظامی ایران به دست نیروهای روس و انگلیس در شهرپور سال ۱۳۳۰ و کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بهمدستی آمریکا و انگلیس بود. کودتایی که می‌خواستن دیگه به اسم «ویلیام تانکس کشورمون همچنان تضمین کنه و موجب اتفاقی‌های بدی مثل حضور مستشاران نظامی آمریکا در ارتش، دخالت آمریکا در عزل و نصب مدیران کشور، بازی کردن نقش ژاندارم منطقه برای آمریکا و ... شد. یکی از اتفاقی‌های پررنگ این دوران ماجرای کاپیتولاسیون بود که محمدرضا شاه به خاطر

خودشیرینی برای آمریکایی‌ها به اون تن داد. قانونی که طی اون مستشار های آمریکایی هر غلطی دل‌شون می‌خواست می‌تونستن توی ایران انجام بدن اما پیگرد قضایی نداشتن. این‌جوری نه تنها جرم و جنایت آمریکایی‌ها توی ایران بیشتر شد، بلکه نفوذ فرهنگی هم داشتن. اینجاست که امام خمینی(ره) با شجاعت جلو اومد و گفت: چه غلط! این یه مصیبت بزرگ برای مسلماناست و سند پردگی ایرانیه و عزای عمومی اعلام کرد. محمدرضا شاه هم امام خمینی(ره) رو بازداشت کرد و به ترکیه تبعید کرد.

ایران آزاده‌مون!



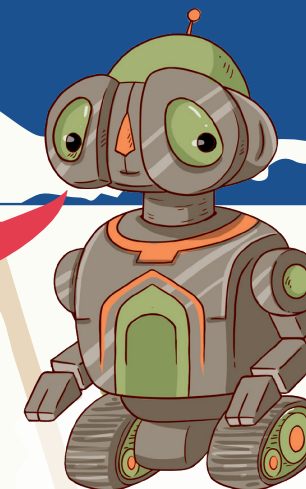
اما به جاهای پرنرنگی هم توی تاریخ ایران داریم که مدای ضد استعماریش خیلی بلند بوده و توی تاریخ پیچیده! می‌گید کجاها؟ تقریباً ۱۱۲ سال پیش، وقتی انگلیسی‌ها اومدن و می‌خواستن بوشهر رو بگیرن، مرد جوونی به نام رئیس‌علی دلواری مثل یک شیر جلوی اونا ایستاد. با اینکه انگلیسی‌ها کلی سرباز داشتن حدود ۵۰۰ نفر! رئیس‌علی با کمک دوستاش یعنی دلبران تنگستان، اون‌ها رو شکست داد و تار و مار کرد. نهضت‌تنباکو هم از اون محنده‌های حضور ضد استعماری مردم ایران و ولایت‌پذیری شونه. ماجرا برای وقتی‌که ناصرالدین‌شاه انحصار تجارت توتون و تنباکو رو به انگلیسی‌ها داد و میرزای شیرازی برای اینکه جلوی خرابکاری حکومت

رو بگیره، فتوا داد دیگه مردم توتون و تنباکو نخورن و مردم هم حرفش رو اجابت کردن. بعد از اون حدود ۱۰۰ سال پیش، هنوز پای انگلیسی‌ها در میون بود و مدام توی امورات کشورمون دخالت می‌کردن، مدرسه ی یک روحانی دانا و مقاوم و نماینده ی مردم توی مجلس بود، مدای مخالفتش رو نسبت به برنامه‌های استعماری انگلیس از تربیون مجلس به گوش همه می‌رسوند. او تمام تلاشش این بود که ایران مستقل باشه و هیچ کشوری نتونه بهش زور بگه یا توی کارهاش دخالت کنه. برای همین، هر جا بوی استعمار و دخالت خارجی می‌اومد، برافروخته میشد و تا جایی که می‌تونست مبارزه می‌کرد. در آخر به‌خاطر همین مبارزات

و ایستادگی‌هاش، توسط دیکتاتور اون زمان (رضا شاه) تبعید و شهید شد. امریکیر هم که معرف حضور همگیوم هست، حسابی با استعمار مقابله و مبارزه کرد. توی این چهل و اندی سالی هم که از عمر انقلاب می‌گذره، مردم تونستن با رهبری امام خمینی(ره) و رهبر فرزانه ی انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای که بزرگ‌ترین رهبرهای ضد استعماری و استکباری ایرانمون هستند، در برابر هر جور دخالت و زورگوی بیگانه‌ها ایستادگی کنن. دلتون بخواد خون شهیدی بوده که به خاطر استقلال و آزادی‌مون و وابسته نبودن‌مون به قدرت‌های غربی و شرقی ریخته شده و خواهد ریخت، اما همه‌مون مثل شیر پای ایرانمون ایستادیم و به خاطرش جون میدیم.



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی



سلام به قهرمانای فردای ایران زمین!

من فرازم، به ربات هوشمند که از دل «ایران ۱۴۲۰» اومدم. قراره به ماموریت ویژه انجام بدیم؛ گشت‌وگذار توی تاریخ پرفراز و نشیب ایران! تا با هم قصه‌های تلخ و شیرین ایرانمون رو مرور کنیم و با قدرت و انگیزه بیشتری برای ساختن به ایران قوی‌تر و مقتدرتر قدم برداریم. آماده‌اید که بریم تو دل تاریخ و قصه‌های مهم پیشرفت علمی ایران رو کشف کنیم؟ من که خیلی هیجان‌زده‌ام! بزن بریم...

ریشه‌های کهن علم در ایران



ماجرای تولید علم توی

ایران مال ۷ هزار سال پیشه! از وقتی روش قنات اختراع شد تا وقتی تخت جمشید ساخته شد. ما اولین رصدخانه رو به پا کردیم و باعث جهش علم نجوم شدیم. بعدها هم به دست زکریای رازی الکل، کشف شد. کتاب قانون ابن‌سینا هم تا قرن‌ها مرجع علم پزشکی در جهان بود. توی فلسفه و منطق هم بزرگانی مثل فارابی و ملاصدرا، راه‌های تازه‌ای برای فکر کردن به دنیا نشون دادن. هنوزم که هنوزه کتاب‌هاشون تو دانشگاه‌های دنیا تدریس می‌شه و دانشمندا از اون راه‌ها استفاده می‌کنن. خلاصه، تولید علم توی ایران فقط مال امروز و دیروز نیست، به تاریخ بلندبالا پشتش هست.



روانه دیواری (۴)
این قسمت: اقتدار علمی ایران

تو دوره قاجار، امیرکبیر در ماموریت‌های خود به خارج ایران، با نظام آموزشی کشورها آشنا شد و برای جبران عقب‌ماندگی علمی و فنی کشور، به فکر تأسیس دارالفنون افتاد. امیرکبیر خیلی به علم اهمیت می‌داد. می‌دونست کشور برای قدرت و استقلال نیاز به علم داره. پس شروع کرد به فرستادن جوونای بااستعداد به اروپا و آوردن دانش روز به ایران. بعد هم مدرسه متاسفانه با خیانت نفوذیای داخلی، امیرکبیر شهید شد.

تغییرات علم در دوران معاصر



کم‌کم آموزش از حالت سنتی خارج شد و به شکل امروزی دراومد؛ یعنی مدرسه‌ها جای مکتب‌خونه‌ها رو گرفتن، اما خب این مدارس جدید در اختیار همه بچه‌های ایران نبودن و کنارش امکانات آموزشی مثل کتابخونه و آزمایشگاه هم وجود نداشت و از طرفی، بچه‌هایی که توی تهران یا شهرهای بزرگ زندگی نمی‌کردن، از این

امکانات دور بودن و این‌جوری مجبور بودن دور درس و مدرسه رو خط بکشن. البته که در ادامه توی شهرهای بزرگ به اتفاقاتی افتاد؛ مثلاً دانشگاه تهران ساخته شد و آموزش ابتدایی اجباری و رایگان شد. در ادامه دانشگاه‌ها به شهرهای دیگه هم رفت؛ شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و... دخترها هم تونستن وارد دانشگاه بشن، متنها هنوز خیلیا در مناطق

مختلف کشور سواد ابتدایی رو هم نداشتن، تعداد جوونایی که می‌تونستن وارد دانشگاه‌ها بشن کم بود و رشد علم اون جور که باید اتفاق نمی‌افتاد.



بعد از انقلاب؛ جهش علمی



تحصیلات عالی برای همه قابل دسترس شد. دیگه فقط شهرهای بزرگ دانشگاه نداشتن، بلکه توی بیشتر شهرها دانشگاه ساخته شد تا همه بتونن سهمی توی تولید علم داشته باشن.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پیشرفت کشورمون فناوری هسته‌ای بود. ایران تونست به دانش غنی‌سازی اورانیوم و تولید سوخت هسته‌ای برای استفاده در کشاورزی، تولید دارو، محیط زیست و صنعت برسه. شهدای دانشمند زیادی مثل احمدی روشن و شهریار توی این مسیر فدا شدن.

رادیوداروها برای تشخیص و درمان بیماری‌ها به کار می‌رن. ایران با وجود تحریم‌ها تونست تولید بومی داشته باشه و حتی صادرات انجام بده. دکتر سیدامیرحسین فقهی، دانشمند مشهور رادیودارو، توی جنگ دوازده‌روزه به شهادت رسید.

ایران بعد از انقلاب، ماهواره‌های بومی خودش رو ساخت و با موفقیت پرتاب کرد. ساخت ماهواره‌بر و موشک‌های بومی هم نشون داد تو این حوزه حرف برای گفتن داره.

هالا نوبت توست؛ با همکاری رفقات درست‌بکار شو و به ماهواره بساز. به ماهواره اورنگانی با ابزار سازما ماهواره ساخته شرهات رو به یار چوونای هوافضا که در این مسیر چوونشون رو دردن به دیوار کلاس بزن.



نانو تکنولوژی

ایران جزو کشورهای پیشروئه. دانشمندا با دستکاری مواد در مقیاس اتم و مولکول محصولات شگفت‌انگیزی ساختن؛ از داروهای بهتر تا مصالح ساختمونی قوی‌تر.

هالا نوبت توست؛ پیر تا از مضمولاتی رو که با نانو ساخته می‌شن و توی زندگی روزمره ازشون استفاده می‌کنیم، نام ببر.

بیوتکنولوژی پزشکی

سلول‌های بنیادی، درمان ناباروری و تولید داروهای پیشرفته، علوم و صنایعی هستن که در اون پیشرفت چشمگیری داشتیم. خیلی از داروهایی که قبلاً وارد می‌شد، داخل کشور تولید می‌شه.

هالا نوبت توست؛ توی اطرافیان کس هست که از سلول‌های بنیادی برای درمانش استفاده کرده باشه؛ پهنوری و کپا؟ درباره‌ش به رفقات توضیح بده.

مقالات علمی

یکی از نشونه‌های رشد علمی، تعداد مقالات منتشرشده‌ست. بعد از انقلاب، مقالات ایرانی به شدت زیاد شد و جایگاه ایران توی رتبه‌بندی جهانی، بالا رفت.

اقتدار علمی ایران

دستاوردها در يك نگاه

تولید علم
رتبه ۳ کشورهای اسلامی
رتبه ۱۷ جهان تولید علم
رتبه ۱۸ جهان مقالات پر استناد

فناوری اطلاعات
رتبه ۶ جهان شبکه‌های موبی
رتبه ۱۵ جهان تولید علم و مقالات هوش مصنوعی
رتبه ۱۳ جهان چاپ سه بعدی

هوافضا
رتبه ۹ جزو ۹ کشور برتر در پرتاب ماهواره
رتبه ۱۳ جزو ۱۳ کشور عضو باشگاه فضایی
رتبه ۶ جزو ۶ کشور فرستنده موجود زنده به فضا

هسته‌ای
رتبه ۳ جزو ۳ کشور برتر تولید رادیو دارو

پزشکی

پزشکی
رتبه ۱ جهان جراحی قلب کودکان
رتبه ۱۷ جهان علوم اعصاب و شناختی
رتبه ۱۳ جهان سلول‌های بنیادی
رتبه ۱ جهان پیوند کبد
رتبه ۷ جهان صنعت داروسازی
رتبه ۲ جزو ۲ کشور تولیدکننده دریچه قلب مصنوعی در جهان
رتبه ۲ جزو ۲ کشور موفق در درمان تالسمی با پیوند مغز استخوان
رتبه ۱۵ جزو ۱۵ کشور اول جهان در چشم پزشکی



وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی